

مارس ۲۰۲۲ – اسفند ۱۴۰۰

آیا در نظام اقتصادی مبنی بر بهره‌کشی انسان از انسان میتوان انتظار داشت که پیشرفت دانش و فناوری لزوماً در جهت بهبود شرایط زندگی توده مردم بکار گرفته شود، یا در واقع طبقه حاکمه چنین پیشرفتی را پیش از هر چیز در خدمت تحکیم سلطه خود بر آن توده درمی‌آورد؟

جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) اقتصاددان برجسته انگلیسی (که شهرتش را مدیون طرح اصلاحی برای ترمیم اقتصاد غرب پس از رکود بزرگ اقتصادی پایان دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰ بود) پیش بینی نموده بود که با پیشرفت علم و فناوری تا سال ۲۰۰۰ مدت کار هفتگی به پانزده ساعت کاهش یابد.

نشریه Scientific American در دهه ۱۹۹۰ (آنزمانکه هنوز اعتباری داشت) در مقاله‌ای تحقیقی در باره شیوه زندگی سنتی مردم بومی استرالیا نوشت که آنان بطور متوسط هفته‌ای ۱۳ تا ۱۵ ساعت را به کار شکار و گردآوری آذوقه می‌گذراندند و باقی اوقات خویش را صرف رسیدگی به زندگی فردی و گروهی خود و ایجاد مأوا و بازگو کردن وقایع و تجربیات و داستانهایشان و آموزش و آسایش و غیره می‌گذرانند.

اینک در سال ۲۰۲۲ با توجه به اینکه در بسیاری از زمینه‌های فعالیت اقتصادی، از کار خانگی گرفته تا کشاورزی و تولید کارخانه‌ای و خدمات، اتوماتیزاسیون از سنگینی بار کار لازم بمیزان بسیار کاسته است، مردم باید بتوانند با دو روز کار در هفته نیازهای اقتصادی خود را تأمین کرده و باقی وقت خویش را به بهبود کیفیت زندگی فردی و گروهی و اجتماعیشان بگذرانند.

استدلال فوق هنگامی بسیار معقول مینماید که شواهد آنرا هم در زندگی و تجربه اجتماعی در نظر بگیریم. برای نمونه تا همین چهل پنجاه شصت سال پیش عموماً در یک زوج طبقه متوسط یکنفر برای امرار معاش کار میکرد و دیگری به کار خانگی اشتغال داشت و امروز عموماً در اقتصادهای صنعتی هر دو برای امرار معاش کار میکنند...

با توجه به این واقعیات آیا در جامعه مبنی بر بهره‌کشی انسان از انسانهای دیگر میتوان انتظار داشت که توده مردم به هدف پانزده ساعت کار در هفته جهت تأمین معاش خویش دست یابند؟ آیا هیچ امیدی هست که دمکراسی پارلمانی راه رسیدن به چنین هدفی را هموار کند؟ اگر نیست پس چه باید کرد که از دادن زمام امور بدست طبقه حاکمه جدید و خلق‌الساعه‌ای جلوگیری کرد؟ آیا راهی جز دمکراسی مستقیم شورائی وجود دارد؟